

# وضعیت سفیدسنگ همچنان قرمز است

روایت شهرآرا از زلزله ۲ سال پیش که لرزه به جان سفیدسنگ و روستاهای اطراف آن انداخت

آن روز مثل همه روزهای عادی، عموحیدر از خانه گلی شان بیرون رفت تا با پیر مردان روستا هم کلام شود. خیلی وقت بود که دیگر کاری از دستش بر نمی آمد. از زمانی که با موتور تصادف کرده بود، دیگر کمربش راست نمی شدد و پایش هم به زور پلاتین یاری اش می کرد. عموحیدر خیلی معمولاً از خانه چندان دور نمی شدد؛ برای همین صبح ها با فاطمه یا به قول خودش «صابجان» خداحافظی نمی کرد. چند روزی از تعطیلات نوروز گذشته بود، حوالی ساعت ۱۱ ظهر، آسمان مهربان تر از روزهای قبل بود، اما زمین نه؛ صدای وحشتناکی شنیدم. یک دفعه دیدم سقف و دیوار تمام خانه ها به زمین می ریزد. تکان بعدی که زلزله به زمین داد، دیگر خانه ای نمانده بود. همه روستا مانند زمین خاکی یک دست شده بود.» این ها را عموحیدر از زلزله سفیدسنگ تعریف می کند، زلزله ای که تنها، جان صابجان او را گرفت. این همه ماجرا نبود و بعد از زلزله، پس لرزه ها به جان روستا افتاد. عموحیدر می گوید: مردهای جوان روستا بیل می زدند تا مردم را از زیر آوار بیرون بیاورند. اما یاز پس لرزه می آمد و همه به گوشه و کنار پناه می بردند. مردها سراغ خانه ها هم آمدند. آوار خاک و چوب روی سر صابجان، ضربه ای به او نزده بود، اما خاک خفه اش کرده بود.

سعیده آل ابراهیم

بود؛ هر چه بگویم، کم گفته ام. اما چاره ای نیست دیگر؛ باید تا نبودنش ساخت.» به قول خودش، خانه و زندگی ۲۹ فرزند «کلون» (بزرگ) او در روستاهای دیگر است و نمی توانند زیاد به او سر بزنند. عموحیدر مانده و رضا، آخرین فرزندش که بیشتر شب ها به خانه همسرش می رود و عموحیدر تنها شب را به صبح می رساند.

#### در آرزوی دامادی رضا

جای خانه گلی که جان صابجان را گرفت، با وام مسکن خانه جدیدی ساخته اند. آن ها یک خانه خیرساز هم دارند که زلزله در دلش ترک ایجاد کرده است. چند تایی تیر آهن زنگ زده کنج دیوارها زده اند تا خانه ایمنی بیشتری داشته باشد. عمو حیدر باید در این خانه بماند و رضا و عروشش به خانه نوساز بروند. رضا می گوید: پول زیادی نداریم که این خانه را اساسی درست کنیم؛ فقط به دیوارهایش گچ می زنیم تا درزها گرفته شود. عموحیدر ۶۷ سال دارد، اما به اندازه یک پیرمرد نودساله شکسته شده است. گوش هایش بگیرنگیر دارد. با صدای بلندتر از او می پرسم: عموحیدر آرزویت

خانه ما را ببیند، متوجه می شود که ایمن نیست، اما وام به ما تعلق نگرفت؛ فقط به این دلیل که سال ۸۰، ۵ میلیون تومان وام مسکن گرفته بودیم. آشپزخانه آن ها خیلی محقر است. آشپزخانه که نمی شود گفت؛ یک اتاق نمور و تاریک که دور تادور آن پر از کابینت کهنه و کاسه و بشقاب است، با گاز و یخچالی زهوار در رفته که کار آن ها را راه می اندازد. هرازگاه هم اهالی خانه، داخل آشپزخانه مار دیده اند. او می گوید: سقف حمام خانه زمان زلزله ریخته و تا به حال چندبار آجرهای آن روی سر اعضای خانواده آوار شده، اما باز هم خدا رحم کرده است.

#### چادر هلال احمر یا انباری؟

چادر هلال احمر که یادگار روزهای پس از زلزله است، هنوز روی سکوی جلو خانه شان به چشم می خورد؛ چادری که روزی برای آن ها حکم چهار دیواری ضد زلزله را داشت و حالا به انباری تبدیل شده است. بیشتر اتاق های خانه گلی شان زلزله را تاب نیاورد، اما قسمت هایی هم که سر پا مانده بود، دیگر قابل استفاده نبود. خانه گلی شان که به تلی از خاک تبدیل شده درست رویه روی خانه نوساز آن ها قرار دارد. احمد، بچه همین روستاست و حالا باید به فکر عروس و دامادی بچه هایش باشد. می گوید: وام مسکن کم بود؛ خیلی پول روی آن گذاشتیم تا بتوانیم این خانه را بسازیم. عید سال ۹۷ به این خانه آمدم. آن هایی که بضاعت مالی ندارند اقساط را پرداخت کنند، یارانه خود یا ضامنشان از حساب آن ها کم می شود.

چیست؟ و او می گوید: همین که رضا، پسرم، دامادی اش را بگیرد تا زغم او آزاد شوم. فقط همین آرزو را دارم؛ اگر تا آن زمان زنده ماندم که هیچ، اگر هم نماندم امر و وعده خداست. چشم های رضا به خاطر ازدواج فامیلی پدر و مادرش مشکل دارد. یک دکتر می گوید آب مروارید دارد اما فقه نگرفته است. دو سال است نتوانسته عروسی بگیرد. غصه اش هم بی پولی برای خرید وسایل زندگی است و مراسم عروسی.

#### کار نیمه کاره بیمانکار

مریم، یکی دیگر از اهالی روستای دوقلعه براش است که بعد از فوت پدرش، حکم مرد خانواده را پیدا کرده است. کلا نقاب دار گذاشته و دستکش های مشکی به دست کرده است و حوالی زمینی خاکی پر سه می زند. می گوید: خانه ما هم مانند خیلی از خانه های دیگر در این روستا صد درصد تخریب شد چون گلی بود. با همان ۲۰ میلیون وام، یک خانه دیگر برای ما ساختند. اما پیمانکار خانه را کامل نکرده به ما تحویل داده

الان خانه مان سرویس بهداشتی و جای لوله بخاری ندارد. پیمانکار گفت خودتان کار گر بگیرید و مابقی آن را درست کنید و بعد پول آن را به شما می دهیم. اما ما پولی برای این کار نداریم. یارانه برای قسط خانه می رود و گاهی من برای زعفران یا گوجه چینی در زمین ها کار می کنم.

می پرسم: پرداخت اقساط، طبق وعده یک سال بعد از زلزله شروع شد؟ و می گوید: تقریباً؛ اما بعضی ها که بضاعت مالی نداشتند، به دلیل اخطارهای زیاد تازه اقدام به پرداخت کرده اند. روستایی ها قبل از زلزله، نمی دانستند قسط و وام چیست، اما حالا دیگر حساسی به این مسائل وارد شده اند. خانواده هایی در این روستا مانند ما هستند و زمینی ندارند و درآمدشان بخور و نمیر است؛ به همین دلیل یک ختیر، سال ۹۵ برای خانواده هایی که بضاعت چندانی نداشتند، خانه ساخته بود. برای ما هم ساخت. هنوز چند ماهی بیشتر در آن نشستست بودیم که زلزله شد. دیوارهای گچی خانه ختیر ساز که برای مریم، خواهر، برادر و مادرش ساختند، درست ماندند خانه عموحیدر ریخته است و حالا بدجور توی ذوق می زند. ترک های روی دیوار مثل مرزی است که خاک دو کشور را از



هم جدا کرده است. معصومه خانم، مادر مریم، می گوید: روزی که زلزله آمد، ما مهمان داشتیم. نمی دانید چه چیخ و دادی راه افتاده بود. در را به زور باز کردیم و به بیرون پریدیم. نه کفشی بود و نه چادری. از همان موقع تا ۹ ماه بعد توی چادر ماندیم تا خانه درست شود. وسایل برقی ما هم از بین رفته بود. حالا با اینکه خانه جدید برای ما ساخته اند، هنوز در خانه ختیری زندگی می کنیم، چون خانه جدید، جای بخاری ندارد و حالا هم هوا سرد شده است. اینجا زلزله زیاد می آید؛ یک جورهایی عادت کرده ایم.



خانه نوسازشان لوله کشی آب و حمام ندارد. آمنه می گوید: کم کم چیزیه دخترم را خریده بودیم و چون جای دیگری نبود، گوشه اتاق گذاشته بودیم. زلزله آمد و بیشتر وسایل چیزیه اش شکست. عروسی شان عقب افتاد. دوباره چیزیه اش را با قرض جور کردیم.

#### فقط صدای چیغ می آمد

در روستا «بی بی» صدایش می کنند. خوب یادش است که زلزله چطور ترس را به جان اهالی روستا انداخته بود. به قول خودش، صدای وحشتناکی شنیده شد و بعد خانه شروع به لرزیدن کرد. خانه ای که حالا در گوشه و کنار آن، وسایل بلااستفاده و داغان جا خوش کرده است. بی بی می گوید: در همین خانه بودیم. در خانه انگار هوا گرفته بود و باز نمی شد؛ با لگد آن را باز کردیم. بیرون که رفتیم، دیدم تمام خانه ها در حال فرو ریختن است. از کوچه ها فقط صدای چیغ و داد می آمد. همه اهالی به اول روستا رفتیم. کمی بعد، چند نفر رفتند تا از نزدیک ترین خانه برای بچه ها نان بردارند که دوباره زمین لرزه شد. آن شب در سرما ماندیم و فردای آن روز برایمان چادر آوردند. بی بی ادامه می دهد: آن هایی که مانند ما جایی برای ماندن نداشتند، ۲ سال در چادر ماندند تا خانه نو ساخته شود، اما همین خانه های نو هم ترک خورده است؛ به این دلیل که اینجا خیلی زلزله می آید. اصلاً می شود گفت زلزله ما را ناکرده است.

#### ۶۸ درصد واحدهای روستایی مقاوم نیست

معاون بازسازی و مسکن روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان نیز می گوید: از ۴۸۶ هزار واحد مسکن روستایی که در استان وجود دارد، فقط ۱۵۵ هزار واحد مقاوم است و بقیه آن ها غیرمقاوم است، به عبارتی ۶۸ درصد واحدهای مسکن روستایی استان، مقاوم نیست. بنیاد مسکن نیز به این افراد وام پرداخت می کند تا واحدهای نوساز را جایگزین خانه های قدیمی شان کنند. حسن حسینی به خبرنگار ما می گوید: در پی زلزله سفیدسنگ، ۲۰۰۰ واحد روستایی در بخش های رضویه، تربت جام و سرخس آسیب دید اما واحدهای جدید برای آن ها ساخته شد. وی درباره ترک خوردگی دیوار بعضی از این خانه ها، اظهار می کند: بعضی از ترک ها به خاطر گرما و سرما اتفاق افتاده است، اما خانه هایی را که بیشتر از ترک داشته است، بررسی می کنیم تا مشکل آن ها حل شود. حسینی ادامه می دهد: تنها واحدهایی که در زلزله سفیدسنگ آسیب ندید، واحدهایی بوده که بنیاد مسکن ساخته است. وی درباره کمبود مبلغ وام و ناتمام ماندن برخی واحدهای روستایی، بیان می کند: اعلام کرده ایم از محل حساب ها، بودجه ای برای افرادی که مستحق هستند و واحد آن ها نیمه تمام مانده است، تعلق می گیرد. ضمن اینکه اگر خانواده ای تحت پوشش بهزیستی یا کمیته امداد باشد از این اداره ها نیز کمک مالی دریافت می کند. وی اضافه می کند: وقتی وام روستایی پرداخت کردیم، از آن ها تعهد گرفتیم در زمان ساخت خانه جدید، خانه قبلی را تخریب کنند، مگر اینکه کاربری آن را برای نگهداری برای نگهداری دام یا انباری تغییر دهند. متأسفانه برخی افراد با اینکه خانه های قدیمی شان آسیب دیده است، هنوز در آن ساکن هستند و فقط خانه قدیمی را ترمیم و از آن استفاده می کنند

#### پول کم آوردیم

نزدیک ظهر است و اهالی کمتر در روستا پرسه می زنند. سعید در سایه درختی نشسته است و با بچه اش بازی می کند. او می گوید: این روستا حدود ۱۵۰ نفر جمعیت دارد. زمان زلزله تقریباً همه خانه ها تخریب شده بود. تا مدت ها در چادرهای هلال احمر زندگی می کردیم. وام ۲۰ میلیون تومانی برای هر خانه دادند. ما ۲ خانوار بودیم که خانه هایمان تخریب شده بود و ۴۰ میلیون تومان گرفتیم. سعید خانه دو طبقه بتنی را که در طبقه اول آن، وسایل روی هم تلنبار شده است، نشان می دهد و می گوید: با وجود وام، باز هم برای ساخت پول کم آوردیم و این خانه نیمه کاره است. ما دیگر در زلزله آبدیده شده ایم؛ همین خانه های جدید هم ترک برداشته است.

#### الفور، آخرین روستا

فاصله روستای «الفور» تا «دوقلعه براش» با خودر حدود ۵ دقیقه است. از آنجا که کانون زلزله روستای دوقلعه براش بود، قطعاً مردم در این روستا به دلیل نزدیکی، شدت زلزله را حس کرده اند. در این روستا هم مانند روستاهای اطراف سفیدسنگ، زیاد زمین لرزه می شود، آن قدر که خودشان می گویند زلزله هر چند وقت یک بار از ما خبر می گیرد. خانه های زلزله زده روستاها را به خوبی می شود تشخیص داد. خانه هایی با در و پنجره شکسته که درون آن هیچ رنگ و بویی از زندگی نیست. اغلب این خانه ها به انباری تبدیل شده است و اعضای خانواده کمتر به آن پا می گذارند تا روزه های تلخ زلزله و آوارگی برایشان یادآوری نشود. خانه آمنه هم چندان تعریفی ندارد. همان لحظه ورود به خانه، چند مشت دان مرغ روی زمین ریخته شده است و مرغ و خروس هم در اتاق ها پرسه می زنند. وسایل کهنه یا آن هایی که دیگر قابل استفاده نیست، داخل اتاق ها به چشم می خورد.

#### خانه نوسازی که تکمیل نشد

خانه جدیدشان را در ارتفاع بالاتری نسبت به خانه قبل ساخته اند، اما مانند خیلی از اهالی زلزله زده، پول کم آورده و خانه را تکمیل نکرده اند.

روستاییان، کمیته امداد وارد شد و به کسانی که نیاز داشتند، ۲۵ میلیون تومان وام اشتغال داد. وی ادامه می دهد: منازل روستای دوقلعه براش تقریباً صد درصد تخریب شد. خانه ها در روستاهایی مانند «رزمگاه»، «سرچشمه»، «غارغش»، «چشمه و غنی» که آسیب زیادی دیده و قابل سکونت نبود، تعمیر شد و خانه جدید با اسکلت محکم برای آن ها ساخته شد.

#### اقدامات انجام انجام شده است

زلزله از بلایای طبیعی است که پس از وقوع، باید مدیریت شود. مدیر کل مدیریت بحران استانداری خراسان رضوی درباره زلزله ای که ۲ سال قبل در حوالی شهر سفیدسنگ رخ داد و کانون آن روستای دوقلعه براش بود، می گوید: از دید ما اقداماتی که باید برای روستاهای زلزله زده انجام می شده، صورت گرفته است. به عنوان مثال وام مسکن به افرادی که خانه آن ها تخریب شده بود، تعلق گرفته است، اما بخشدودگن ای وام ها به افراد امکان پذیر نیست. حجت علی شایانفر در گفت و گو با شهرآرا، ادامه می دهد: پس از وقوع زلزله، چند خانه در روستای دوقلعه براش و کلاته قدم هیچ آسیبی ندید؛ به دلیل اینکه اصولی ساخته شده بود. اصول در ساخت خانه های جدید در این روستاها باید رعایت شده باشد. این خانه ها نیز مطابق استاندارد بنیاد مسکن ساخته می شود و اگر موردی برخلاف این موضوع باشد بنابر وظیفه نظارتی پیگیری می کنیم. اگر خانه ها ترک خورده باشد، باید بررسی شود؛ زیرا این یک موضوع فنی است و ممکن است ترک ها بر اثر انبساط و انقباض باشد.

## ۳

#### زلزله برکت بود!

صبوری، دهیار روستای الفور که در ضمن بازدید، همراه ماست، می گوید: حدود ۶۰ درصد خانه های این روستا تخریب شد که البته با وام، خانه های جدید ساخته یا خانه های قبل بازسازی شد. می توان گفت زلزله برای این منطقه برکت بود؛ به این دلیل که قبل از آن، تمام خانه ها کلنگی بود و اگر زلزله اتفاق نمی افتاد، کسی در جریان مشکلات اینجا قرار نمی گرفت.

#### مشکلات مشابه سرچشمه

اوضاع روستای «سرچشمه» هم تفاوت چندانی با سایر روستاهای زلزله زده ندارد. آن ها هم طعم ترس را مز مزه کرده اند، با پول وام خانه های نو ساخته اند اما انگار ترک ها، دیوار سفید را از یکنواختی در آورده اند. مریم، یکی از اهالی سرچشمه، می گوید: ما هم وام مسکن را گرفتیم، مبلغی روی آن گذاشتیم و فقط توانستیم یک خانه ۶۰ متری برای ۹ نفر بسازیم.

#### وام هم مسکن، هم اشتغال

شهر سفیدسنگ با جمعیت هفت هزار نفری، برخلاف روستاهای اطراف آن، آسیب جدی در زمینه زلزله ندیده و فقط دیوار خانه ها دچار ترک شده است. زابلی، عضو شورای شهر سفیدسنگ، در این باره، می گوید: خوشبختانه در زلزله، سفیدسنگ آسیب زیادی ندید. اما بیشتر خانه روستاهای بالادست خراب شد. وام مسکن به آن ها تعلق گرفت. حدود ۷ میلیون تومان نیز وام بلاعوض برای خرید وسایل خانه پرداخت شد. خانه ها ظرف یک سال درست شد. زابلی بیان می کند: برای اشتغال



## ۴

روزنامه شهرآرا

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه

شهرآرا  
روزنامه